



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ - ۲۰ شعبان ۱۴۴۷ سال بیست‌وهفتم- شماره ۷۵۲۰ - ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله

تهدید ۳ اصل بنیادین ایرانیان



و علم (توسعه درون‌زا) ایرانیان را با برنامه‌ای آگاهانه و هدفمند نشانه رفته‌اند. ذیل‌ا دربارۀ هر یک استدلال خواهم کرد.

۱- ایران: وقتی صحبت از تجزیه ایران می‌شود برخی گمان می‌کنند صرفاً برچسبی به دشمن در منازعۀ سیاسی است و موضوع را صرفاً انتزاعی می‌بینند. اما حقیقت این است که تجزیه ایران برنامه‌ای جدی است. علت اصلی آن «تشیع»، «وسعت» و «جمعیت» است. وسعت و جمعیت از عوامل اصلی قدرت است و صهیونیست‌ها در این دو ققره ۵۰ میلیونی با سوریه ۴۵ میلیونی باید به ملت‌های جدید تبدیل شوند تا این ملت‌ها در تراز آنان باشند و تهدید را کوچک کنند. به همین دلیل صهیونیست‌ها به پهلوی گفته‌اند تو پادشاه پهلوی (دکتر بیرونی موساد) در به همین دلیل در فراخوان پهلوی (دکتر بیرونی موساد) در مناطق کردی-سنی و بلوچ‌نشین ایران خبری نبود. چون آنان برنامه‌ای برای پهلوی ندارند. تشیع از عناصر اصلی هویت ایرانیان است و ایران مرجعیت حوزه تمدنی ایران و در عین حال تشیع جهان را بر عهده دارد. وقتی ترامپ از عبارت «ملت تروریست» دو بار استفاده می‌کند یا می‌گوید ۵۲ نقطه فرهنگی شما را می‌زنیم (نه اقتصادی یا نظامی) نشان می‌دهد قدرت غیرعرفی ایران در مقاومت و ایستادگی ۴۷ ساله را این «فرهنگ استراتژیک» می‌دانند. بنابراین تبدیل ایران به ایرانستان و چندین کشور در دستور کار صهیونیست‌هاست.

۲- دین: حمله به مساجد، امامزادگان، قرآن‌سوزی، مصلاهای نماز جمعه از یک سو و تولیدات محتوایی علیه اصل دین و تشیع نشان می‌دهد که دین ما را هم نشانه رفته‌اند و بین جمهوری اسلامی و اساس دین تفکیک قائل نیستند. ما با یک جریان نپهیلیستی-صهیونیستی در مواجهه با دین روبه‌رو هستیم. و گر نه مسجد و امامزاده و قرآن و مولود جمهوری اسلامی نیستند. اگر به یک مسجد در شهری هجوم می‌شد می‌توان به صورت مصادیقی آن را مرتبط با چند نفر در آن مسجد دانست. اما حمله به مساجد پدیده سراسری و برنامه‌ریزی شده بود.

در تئویتۀ که دعوی اصلی-مجازی آنجاست، به‌شدت به اصل دین حمله می‌شود. نمونه‌هایی مانند «شیعۀ کشتی به‌زودی شروع می‌شود»، «شیعۀ مذهب حرام‌زاده‌هاست» یا «به زودی نام مشهد را به توس تبدیل خواهیم کرد»، «چنان این هموطن‌های کافر چوب تو آستین شما شیعیان حیدر بکنند که در تاریخ ثبت شود»، در شبکه اینترنت نشان رسماً می‌گویند: «این شعار کثیف حیدر حیدر»، «یک مسجد سالم نخواهیم گذاشت»... نمونه‌هایی از خروار است که با اساس دین درگیر شده‌اند. این محتوا در طول قرن‌ها در ایران وجود نداشته است و پدیده‌ای کاملاً مدرن است. قرآن‌سوزی از اروپا به داخل منتقل شده و این خود برنامه‌ای برای قبح‌زدایی است. بنابراین با دین ما نیز درگیر شده‌اند. تضادهای بنیادین صهیونیسم-تشیع نشان می‌دهد این برنامه نمی‌تواند از کسانی که فرهنگ ایران را می‌شناسند سرچشمه گرفته باشد.

۳- دانش: در حالی که هیچ مرجع حقوقی-رسمی و امنیتی-اطلاعاتی در جهان، ایران را به ساخت بمب اتم متهم نکرده است، جلوگیری از دانش هسته‌ای، دانش موشکی، تحریم ترashedهای پر کاربرد در علم و بسنن راه‌های تبادل علمی و شهادت دانشمندان ایران، نشان می‌دهد که نظام سلطه «توسعه درون‌زای» ایران را معبری برای استقلال خواهی و نفی سیادت نظام سلطه می‌دانند و همه راه‌های اقتصادی و علمی و فناوری را به روی ایران بسته‌اند تا سند وابستگی را بپذیرد و به قول ترامپ: «ایران باید تسلیم شود». بنابراین ایرانیان باید هوشیار باشند که موضوع از مسائل سیاسی، نظامی، امنیتی و اجتماعی گذشته است و منطقه سایش و درگیری امروزه اصول بنیادین ایران و ایرانیان است. برای این موضوع نهضت روشنفکری ویژه با ادبیاتی جدید لازم است. غفلت در این سه موضوع رکود هویتی و تاریخی را به همراه دارد. قبح شکنی از همکاری با دشمن زمینه این مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد.



عصر دیروز معاون اجرایی رئیس‌جمهور در جمع استانداران، به واقع آسمان را به ریسمان بافت و کاری را که بسا کسان از فحول و عقول اندیشه‌ورزی و نظریه‌پرداز به خاطر نداشتن جامعیت و اشراف کامل به موضوع در آن غرق می‌شوند، یک‌تنه بر عهده گرفت تا درس دین و سیاست و اقتصاد و امنیت به دیگران بدهد؛ درسی که پر از تناقض و خطا و سهو و لسان و مغالطه بود.

عملکرد عالی و نمره بیست دکتر پزشکیان و بدنه اصلی دولت در مواجهه با آشوب اخیر و شجاعت شخص رئیس‌جمهور در اجرای طرح حذف ارز ترجیحی که در خور ستایش است و کشور را از یک عارضه قدیمی و ویرانگر بیرون کشید، چه‌بسا با اظهارات نسنجیده برخی اطرافیان خدشه‌دار شود و لذا باید به این مهم توجه کرد. جعفر قائم‌پناه، پزشکی که معاون اجرایی رئیس‌جمهور شده و از مطب و حرفه پزشکی فاصله گرفته است و کار اجرایی را هم گویا زمین‌نهادۀ است، فرصت تازه‌ای پیدا کرده تا نظریه‌پرداز فلسفی و دینی و سیاسی رانیز امتحان کند!او می‌گوید مردم در نظر سنجی‌ها از دستگاه‌های اجرایی اظهار ناراضیتی کرده‌اند. سپس به جای تحلیل درست این ناراضیتی که عموماً برو کراسی‌های ویرانگر، رانت و فامیل‌بازی است، از نظام می‌خواهد که «در امور مذهبی مردم کمتر دخالت کنیم، باورهای آنان را مورد تمسخر قرار ندهیم و به آنها ارزش بگذاریم. سبک زندگی افراد جامعه را به رسمیت بشناسیم و تلاش کنیم که با دخالت‌های بی‌مورد، عرصه را بر جوانان، زنان و مردان کشور تنگ نکنیم». گویا مردم وقتی به ادارات دولتی مراجعه می‌کنند و ناراضی هستند، به ناراضیتی مردم از نظام تقلیل داده- یک‌جانه‌می‌مردم، یک جا اقلیت، که هر دو غلط است و جای بحث دارد- و گفته است «گو مردم احساس کنند در درون نظام نمی‌توانند حق خود را احقاق کنند، ناامیدی سیاسی و بی‌پناهی ایجاد می‌شود و چون مردم احساس بی‌پناهی کنند، برای رفع مشکلات خود به دنبال کمک از عوامل خارجی می‌روند!» این سخنان تحریف اقدام ملی و بزرگ مردم در شکست کودتا و بیشتر نوعی سخن‌پر اکنی است که مناسب شبکه‌های معاند است. به معاون اجرایی رئیس‌جمهور توصیه می‌کنیم نظریه‌پرداز را که هیچ درکی از ابعاد و اعمالق آن ندارد، کنار بگذار د و اجازه دهد شخص رئیس‌جمهور که متعهد به نهج‌البلاغه است و فرق دین‌داری با سکولاریسم را می‌داند، در این باره قضاوت کند.

سکولاریسم جعفر!

عملکرد عالی و نمره بیست دکتر پزشکیان و بدنه اصلی دولت در مواجهه با آشوب اخیر و شجاعت شخص رئیس‌جمهور در اجرای طرح حذف ارز ترجیحی که در خور ستایش است و کشور را از یک عارضه قدیمی و ویرانگر بیرون کشید، چه‌بسا با اظهارات نسنجیده برخی اطرافیان خدشه‌دار شود و لذا باید به این مهم توجه کرد. جعفر قائم‌پناه، پزشکی که معاون اجرایی رئیس‌جمهور شده و از مطب و حرفه پزشکی فاصله گرفته است و کار اجرایی را هم گویا زمین‌نهادۀ است، فرصت تازه‌ای پیدا کرده تا نظریه‌پرداز فلسفی و دینی و سیاسی را نیز امتحان کند!او می‌گوید مردم در نظر سنجی‌ها از دستگاه‌های اجرایی اظهار ناراضیتی کرده‌اند. سپس به جای تحلیل درست این ناراضیتی که عموماً از بروکراسی‌های ویرانگر، رانت و فامیل‌بازی است، از نظام می‌خواهد که «در امور مذهبی مردم کمتر دخالت کنیم، باورهای آنان را مورد تمسخر قرار ندهیم و به آنها ارزش بگذاریم. سبک زندگی افراد جامعه را به رسمیت بشناسیم و تلاش کنیم که با دخالت‌های بی‌مورد، عرصه را بر جوانان، زنان و مردان کشور تنگ نکنیم». گویا مردم وقتی به ادارات دولتی مراجعه می‌کنند و ناراضی هستند، به خاطر باورهای مذهبی‌شان است!

او همچنین روایت شبه‌کودتای اخیر را به ناراضیتی مردم از نظام تقلیل داده- یک‌جانه‌می‌مردم، یک جا اقلیت، که هر دو غلط است و جای بحث دارد- و گفته است «اگر مردم احساس کنند در درون نظام نمی‌توانند حق خود را احقاق کنند، ناامیدی سیاسی و بی‌پناهی ایجاد می‌شود و چون مردم احساس بی‌پناهی کنند، برای رفع مشکلات خود به دنبال کمک از عوامل خارجی می‌روند!» این سخنان تحریف اقدام ملی و بزرگ مردم در شکست کودتا و بیشتر نوعی سخن‌پر اکنی است که مناسب شبکه‌های معاند است. به معاون اجرایی رئیس‌جمهور توصیه می‌کنیم نظر به‌پرداز را که هیچ درکی از ابعاد و اعماق آن ندارد، کنار بگذار د و اجازه دهد شخص رئیس‌جمهور که متعهد به نهج‌البلاغه است و فرق دین‌داری با سکولاریسم را می‌داند، در این باره قضاوت کند

تحریف مردم

بخش اصلی سخنان قائم‌پناه آن جاست که او در خلط میخشی عجیب ناراضیتی‌های عموماً اقتصادی و مربوط به گرانی‌ها و نداشتن قدرت تصمیم‌گیری که برای رفع مشکلات خود به‌دنبال کمک از عوامل خارجی می‌شود، به گمراهی می‌آمیزد. نمی‌شود مثل سلبریتی‌ها در یک جمله گفت «در امور مذهبی مردم آمیزد. است نمی‌تواند در امر مذهبی چیزی بگوید که عنوان کارش ناراضیتی ناشی از تعاملات اجتماعی به این راحتی جملۀ‌ای بگوید که متضمن برداشت‌های بسیار نادرست و متناقض می‌شود و شده است.

خشونت از کجا آمد؟

وقتی ندانسته و صرفاً در یک جلسه با زبردستان خواهی نظریه‌پرداز می‌کنی، نتیجۀ این می‌شود که کودتای اخیر را که دوست و دشمن بر ماهیت دخالت مستقیم خارجی در آن اعتراف کرده‌اند و آن را رسماً یک جنگ و ادامه جنگ دوازده‌روزه می‌دانند، ابتدا به علل اقتصادی و فرهنگی تقلیل دهی و سپس کشور را در مقطع «ناامیدی محض» معرفی کنی! این هرچه هست خلاف بیانات صریح رئیس‌جمهور در بیشتر موارد است که می‌گوید «پنده روشنی خواهیم داشت». و نه مثل قائم‌پناه که می‌گوید «علل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین دلایل حوادث اخیر است. بعلاوه، ناراضیتی ناشی از تعاملات اجتماعی و مسائل فرهنگی به دست دشمنان قسم‌خورده کشور تشدید شد. این خشونت خانمان‌سوز ناشی از ناامیدی محضی است که در کشور ما به وجود آمده بود و آمریکا و اسرائیل درصدد برآمدن از این ناراضیتی مردم سوءاستفاده کنند».

اگر خشونت طبق این ادعا به دست دشمنان قسم‌خورده رقم خورده، دیگر آن ادعا که «ناشنی از ناامیدی محض در کشور» است، چیست؟! مگر می‌شود خشونت را دشمن بر ناراضیتی‌ها بار کند، اما همان خشونت در عین حال ناشی از ناامیدی داخلی باشد؟! قائم‌پناه در کلیت‌بخشی و صفر و صد کردن بحث به شکل خطرناکی پیش می‌رود. او نادیده می‌گیرد که ملت ایران به‌رغم گرانی‌ها و کمبودها و ناراضی‌ها، با توکل به خدا و ایمان دینی توانستند یکی از عجیب‌ترین فتنه‌های جهان را که به ادعسان خود امریکایی‌ها تمام ظرفیت موساد



و سبیا پای آن آمده بود، در نطفه خفه کنند و کشور خود را از تجزیه و نابودی نجات دهند. پس مشکلات را موجب «بنابر دین مردم به عامل خارجی» می‌دانند! جوانان، زنان و مردم وقتی احساس بی‌پناهی کنند، طبیعی است که برای رفع مشکلات خود به‌دنبال کمک از عوامل خارجی بروند. این ناشی از انسداد مسیرهای درونی دادخواهی است. وقتی مردم احساس می‌کنند سیستم داخلی قادر به پاسخ‌گویی نیست و محلی برای شنیده‌شدن فریادشان ندارند، نیاز روانی به یک نیروی نجات‌بخش بیرونی ایجاد می‌شود. این حرف‌ها یک فاجعه تمام‌عیار است. نیروی نجات‌بخش خارجی؟! از کدام مردم سخن می‌گوید آقای دکتر؟! چرا ماهیت این کودتای روشن و علنی را «بنابر دین مردم به نیروی نجات‌بخش خارجی» می‌دانید؟! شما باید نه مقابل زیر دستان بلکه مقابل رسانه‌ها بنشینید و از این ریسمان‌یافی خود دفاع کنید.

قائم‌پناه البته حرف دیگری می‌زند و کسانی را که به نیروی خارجی دل بسته‌اند، «اقلیت» معرفی می‌کند اما آنها را ایرانیان خارج‌نشین می‌داند تا نشان دهد هر دم حرفی می‌زند و هیچ انسجمی در سخن ندارد!

کودتا بودن چون آشوب بود!

تا‌ناتوانی معاون اول رئیس‌جمهور از ساختار‌بندی سخنان خود آنجا آشکار می‌شود که گویا در ادامه متوجه خلط بحث و تناقضات سخنان خود می‌شود، به گونه‌ای که گویی به آنچه خود در ابتدای سخن گفته در انتهای آن واکنش نشان می‌دهد! «باید بپذیریم که بخشی از مردم عصبانی هستند. باید بپذیریم که اعتراض، نشانه زنده‌بودن جامعه است!» البته اعتراض، نه اغتشاش. فراخوان ساعت ۹ و ۱۰ شب یعنی کودتا. از ابتدای انقلاب تاکنون، هیچ اعتراضی به‌صورت شبانه فراخوان نشده است. ۹ صبح ماهم انقلاب، ۱۰ صبح میدان آزادی. هیچ‌گاه تظاهرات و اعتراضات در ساعات شب انجام نمی‌شد. معمولاً کودتا‌ها در این ساعات رخ می‌دهد. بخشی از جامعه ما نسبت به این مسئله غافل بود؛ ما هم اشتباه کردیم و ما هم غافل شدیم. وظیفه ما این است که اعتراض به ناامیدی و بی‌پناهی تبدیل نشود.

هرچه هست شخص دکتر قائم‌پناه فرد مناسبی برای سخنرانی‌های انگیزشی و اقناع‌ساز و تبیینی نیست و بیشتر یک کار خراب‌کن است. شغلش و عنوانش مشخص است. کار اجرایی نیازی به نظریه‌پرداز دینی و سیاسی ندارد.



«پل»

معلق میان نیاز و وجدان

«جانشین» پرتره‌ای محترم روایتی سرگردان

اعلام ۱۱ فیلم برتر آرای مردمی فجر بدون رتبه‌بندی

«رقص باد» عاشقانه‌ای بارئاللیسم جادویی

«نیم شب» روح خسته و دلشکسته ایرانی

صفحات ۶ و ۱۶

یادداشت‌های امروز	
۲	شما هم متهمید! تقی دژاکام
۲	انقلاب اسلامی باز تولید اراده جمعی بر مبنای هویتی مستقل / حمیدرضا شافعی
۱۴	روایت مظلومیت مدافعان امنیت حسین قصبیخی
۱۳	تلنگری جدی در پس چهاردهمین قهرمانی دنیا حیدری

یادداشت بین‌الملل	
دکتر احمد کاظمی	

باکو – ابوظبی

پیمانکاران نظم آنگلساکسونی

نمایش نظامی جمهوری آذربایجان با امارات متحده عربی با عنوان رزمایش مشترک عملیاتی – تاکتیکی «سپر صلح ۲۰۲۶» با حضور الهام علی‌اف و محمد بن‌زاید آل نهیان رهبران دو کشور در ابوظبی با اهداف ادعایی شناسایی و خنثی‌سازی گروه‌های مسلح غیرقانونی، بازپس‌گیری کنترل یک کشتی تصرف‌شده، خنثی‌سازی عناصر تروریستی و آزادسازی گروگان‌ها، جلوگیری از ناآرامی‌ها و اقدامات خرابکارانه تهدیدکننده امنیت عمومی در مناطق پرجمعیت در ۱۳ و ۱۴ بهمن در ابوظبی برگزار شد. پس از رزمایش دو کشور در سال ۲۰۲۵ با عنوان «مشارکت فناپذیر- ۲۰۲۵» این دومین رزمایش میان دو کشور است.

روابط جمهوری آذربایجان و امارات متحده عربی به عنوان دو کشور با عدم تجانس فرهنگی – تاریخی و فاصله جغرافیایی نسبتاً دور، از پیچیدگی خاص و منحصر به فردی برخوردار است. پس از امضای توافقنامه جامع مشارکت اقتصادی (CEPA) در ابوظبی در ۱۴ تیر ۱۴۰۴ با حضور الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و شیخ محمد بن‌زاید آل نهیان، رئیس امارات متحده عربی، حضور احمد الجابر، وزیر صنایع و فناوری پیشرفته امارات در اجلاس سران اکو در خاکندلی-استپانکرت در ۱۳ تیر ۱۴۰۴، سفر محمد بن‌زاید آل نهیان به شهر شوشی داشتند این گونه بازنمایی کنند که زیربنای مناسبات باکو و ابوظبی، مناسبات اقتصادی، تجاری و انرژی است؛ به دلیل اینکه در حال حاضر علاوه بر گسترش چشمگیر گردشگری میان دو کشور با لغو دوجانبه روادید از تیر ۱۴۰۲؛ با مشارکت امارات، سرمایه‌گذاری هنگفتی در جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی‌های سبز و تجدیدپذیر از جمله ساخت نیروگاه‌های بادی، خورشیدی و آبی با هدف ایجاد جهش در تولید برق جمهوری آذربایجان در جریان است. هدف این سرمایه‌گذاری علاوه بر جبران کاهش درآمدهای نفتی باکو در چشم‌انداز آینده پایان نفت و گاز، تأمین برق کشورهای اروپایی و رژیم صهیونی است. بر این اساس، جمهوری آذربایجان با گرچستان، گرجستان و رومانی توافقنامه‌ای را برای ساخت یک کابل زیر دریایی به طول ۱۱۰۰ کیلومتر در بستر دریای سیاه امضا کردند تا از این طریق برق اروپا را تأمین کنند. علاوه بر نیروگاه خورشیدی ۲۶۲ میلیون دلاری قره‌داغ با ۲۳۰ مگاوات تولید برق، باکو و شرکت انرژی آتی ابوظبی موسوم به «مصدر» سه قرارداد سرمایه‌گذاری برای توسعه پروژه‌های انرژی سبز با ظرفیت کل هزار مگاوات، شامل یک نیروگاه بادی و دو نیروگاه خورشیدی در کشور امضا کرده‌اند. همچنین در کنار افزایش مناسبات تجاری دو کشور به حدود ۳میلیارد دلار، همکاری‌های شرکت‌های نفت دولتی دو کشور (SOCAR و ADNOC) در سطح منطقه‌ای نیز افزایش یافته است؛ این همکاری‌ها، مستندات مناسبی برای دیدگاهی است که زیربنای مناسبات باکو و ابوظبی را «اقتصادمحور» بازنمایی می‌کنند.

به‌رغم اینکه در نگاه اول روابط جمهوری آذربایجان و امارات کلکسیونی زیبا از مناسبات و همکاری‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف است، به دلایل متعدد می‌توان گفت که این صرفاً رویناست و زیربنای همکاری‌های دو کشور، ساخت امنیتی و نظامی دارد که بخش اندکی از آن در پیام‌های رزمایش مشترک دو کشور در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ مشهود است.

بقیه در صفحه ۱۵